[ش‌ش و ی‌س]

- [تّوص‌م ف‌ورح]

[حروف مصوّت]

موضع حرکت حروف در کتابت عربی و فارسی، یک حرف صامت را منعطف می‌کند تا چهار حالت را بتواند نشان دهد، سه حالت مربوط به حرکت است و یک حالت به نبود حرکت مربوط است، اما این مبتنی بر دخالت دادن تنها سه حرف مصوت است که به ضمیمه اشباع آن‌ها شش حالت حاصل می‌شود، و چون تعداد حروف مصوت، بیشتر از این‌ها است، کما این‌که در علم فونتیک توضیح داده شده، و نمونه آن‌ها را می‌توانید اینجا بشنوید، پس واقعیت حالات یک حرف صامت، خیلی بیش از این تلفظ و کتابت رایج است، و شاید سخن‌های غیر مفهوم و شاید تلاوت، که از بعض معصومین نقل شده، بی ارتباط با این نباشد، به هر حال ملاحظه می‌کنید که واقعیت ترکیبات همخوان‌ها با واکه‌ها چقدر طیف وسیعی پیدا می‌کند.

[نقطه گذاری]

این تنها مربوط به حروف مصوت بود، و اما آنچه مربوط به مسأله نقطه‌گذاری است پس خیلی بیش از این‌ها است، نقطه‌گذاری بر خلاف حرکات، تنها مربوط به نوشتن و کتابت است، و تعیین حالات مختلف صامت‌ها در نمادِ آن‌ها است، مثلا به این شش حرف نگاه کنید: (ب ـ ن ـ ي ـ ت ـ پ ـ ث ـ)، در زبان فارسی اگر از نقطه صرف نظر کنیم، تنها یک نماد پایه داریم، اما با اضافه کردن یک یا دو یا سه نقطه در بالا یا پایین، پنج یا شش حرف صامت نمایش داده می‌شود، که حالات ممکنه باز بیش از این‌ها است.

و اگر بگوییم اصل قرآن کریم در لوح، مکتوب است، باید ببینیم نحوه کتابت آن لوح، و پایه انتخاب شده برای نمایش حروف، از چه انعطافی برخوردار است، یعنی در فضای نشانه‌شناسی، آیا پایه‌ها نشانه‌های چندین منظوره نیستند؟ و اگر تدوین بخواهد مطابق تکوین باشد بهترین مسیر نمایش آن چیست؟

و یک سؤال مهم این است که آیا انعطاف در یک سیستم نمادی، نقص حساب می‌شود یا کمال یا بستگی دارد؟ مثلا واو فارسی که با نماد (و) نشان داده می‌شود، انعطاف خاصی نسبت به دو نماد (w) و (v) دارد، اگر بخواهیم تلفظ (very well) را در فارسی بنویسیم می‌نویسیم: (وری وِل) ، اما معلم انگلیسی توضیح می‌دهد که این دو واو در تلفظ تفاوت می‌کند، ولی چاره‌ای نداریم دو حرف متفاوت لاتین را به یک حرف فارسی نشان دهیم، و این نقص تلفظ و به تبع آن نقص کتابت فارسی است، و این گونه نقص معمولا در زبان‌ها پیدا می‌شود، و به همین جهت (International Phonetic Alphabet) پدید آمده است، و به نظر می‌رسد اگر علم سمیولوژی، پیشرفت کند و تمام زوایای بحث‌ها کامل شود، سیستم‌های نمادی تجریدی بسیار منعطف و چندین منظوره، نه تنها ناقص محسوب نشوند بلکه خیلی کارآمد باشند به شرط این‌که در جای خود استفاده شوند.

اما راجع به آیه شریفه «**جعلوا القرآن عضین**[1]»، پس اصلا مربوط به نوشتن قرآن بر طبق یک روایت یا یک قرائت نیست، چون هر قرائت یک مجلای قرآن کریم است، و مجلی با اقتسام عضین خیلی متفاوت است، حتی مصحف امیر المؤمنین که مشتمل بر تمام سبعة احرف و تفاسیر آن‌ها هست، وقتی در لوح انسوتی جلوه می‌کند، چاره‌ای جز تعدد مجلی ندارد، و هر مجلی هویت با ظاهر دارد و با قطعه‌ای از شیء متفاوت است.

[1] سورة الحجر، آیه ۹۱